



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات علوم انسانی

تحولات سیاسی، اقتصادی و جمعیتی بوشهر در کرانه شمالی خلیج فارس بین سال‌های (۱۷۶۳-۱۹۲۰ م / ۱۱۷۷-۱۳۳۹ هـ ق)

دکتر عبدالکریم مشایخی

استاد دانشگاه و مدیر بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر

خلیج فارس، از زمین‌های پست، لم‌یزرع و یکنواخت، پوشیده شده است.

در قرن نوزدهم میلادی، در آن سوی بوشهر، باتلاق‌هایی وجود داشت که در حیات منطقه گرمسیر، نقشی دوگانه ایفا می‌کردند. باتلاق‌ها، محل زاد و ولد عوامل بیماری‌های مالاریا و حصبه بودند که گاه و بیگاه، موجب نابودی روستاها و بندرهای خطه ساحلی بوشهر می‌شدند، اما به عنوان خندق‌هایی طبیعی، برای بندرهایی چون بوشهر، حافظ و نگهبان هم به حساب می‌آمدند. شیخ نصر، از حکمرانان خاندان آل مذکور، مسیله را به عنوان مانع و حصار غلبه ناپذیر علیه دشمن می‌شمرد. (استفان رای، ۱۳۷۸: ۱۶)

در دوره قاجار، بیشتر مناطقی که هم اکنون در استان بوشهر واقع هستند، جزو ایالت فارس به حساب می‌آمدند. (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۳۱۹) در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ هـ ق/ ۱۲۸۵ هـ ش بر اساس قانون ایالات و ولایات، ایران به چهار ایالت تقسیم شد. در این قانون، وضع بوشهر همچون بسیاری دیگر از ولایات، مشخص نشده بود، اما به نظر می‌رسد که این منطقه، در محدوده ایالت فارس قرار داشت. (فریدی، ۱۳۸۸: ۹۶)

استان بوشهر با مساحتی حدود ۲۷۶۵۳ کیلومتر مربع، از شمال به استان خوزستان و بخشی از استان کهگیلویه و بویر احمد، از شرق به استان فارس، و از جنوب شرقی به بخشی از استان هرمزگان و از جنوب و غرب به آب‌های خلیج فارس محدود است. بوشهر از نظر پستی و بلندی به دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی تقسیم می‌شود. ناحیه جلگه‌ای آن، در امتداد خلیج فارس قرار دارد و هر چه از شمال و شمال غربی به طرف جنوب و جنوب شرقی پیش می‌رویم، تادره مند، عرض جلگه بیشتر می‌شود. پس از آن، جلگه باریک و کم‌عرض شده، در حد فاصل استان‌های بوشهر و هرمزگان، کوه‌ها مشرف به دریا می‌شوند. (بدیعی، ۱۳۶۸: ۴۲۱)

آب و هوای بوشهر در نوار ساحلی، گرم و مرطوب و در بخش‌های داخلی، گرم و خشک و صحرایی است، در هر دو بخش، متوسط دمای سالانه برابر ۲۴ درجه سانتی‌گراد است که بیشترین مقدار آن در تابستان، حدود ۵۰ درجه و کم‌ترین آن در زمستان، حدود ۶ درجه سانتی‌گراد است. (بدیعی، ۱۳۶۸: ۴۲۳)

این ناحیه گرمسیری، دارای سه ویژگی جغرافیایی است: حاشیه ساحلی، تپه‌های ساحلی و دشت‌های درون خشکی. بیش‌تر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی منطقه، بر روی این عارضه‌های جغرافیایی استوار است. تمامی حاشیه ساحلی

گذاشته شد. (امین، ۱۳۶۷: ۸۸). شرکت هند شرقی انگلیس با تأسیس کارخانه‌ای در بوشهر و ترک بندرعباس، وضع تجاری و بازرگانی بوشهر را بهبود بخشید. بعد از مدتی، به دلیل بروز اختلاف بین کمپانی هند شرقی انگلیس و کریم‌خان زند، انگلیسی‌ها مرکز مبادلات تجاری خود را از بوشهر به بصره منتقل کردند. اما کریم‌خان زند در ۱۱۹۰ ق/ ۱۷۷۶ م، بصره را تصرف کرد و انگلیسی‌ها را ناگزیر نمود تا در ۱۱۹۲ هق/ ۱۷۷۸ م، بوشهر را مرکز اصلی بازرگانی خود در خلیج فارس قرار دهند. (پری، ۱۳۶۸: ۲۵۹).

با مرگ کریم‌خان زند، کشمکش میان بازماندگان وی آغاز شد که چند سال به طول انجامید. سرانجام لطفعلی‌خان زند در ۱۲۰۳ ق/ ۱۷۸۹ م، قدرت را به دست گرفت. (گلستانه، ۱۳۵۶: ۳۵۲). پادشاهی لطفعلی‌خان، مقارن با ستیزهای آقامحمدخان قاجار بود که سرانجام در نتیجه خیانت حاج ابراهیم کلانتر شیرازی، لطفعلی‌خان به کرمان عقب‌نشینی کرد و پس از دستگیری به دستور آقامحمدخان قاجار، به قتل رسید.

در روزگار فتحعلی‌شاه قاجار، انگلستان نفوذ خود را در هند و خلیج فارس گسترش داده در سال ۱۲۲۷ هق/ ۱۸۱۲ م، دفتر نمایندگی سیاسی خود را در بوشهر تأسیس کرد. حضور فعال انگلستان در بوشهر، زمینه‌ساز حضور دیگر دولت‌های اروپایی شد. به دنبال حضور نمایندگی‌های سیاسی کشورهای خارجی و فعالیت بازرگانان ایرانی و خارجی، بوشهر بندر اصلی و عمده سراسر خلیج فارس شد. (فرامرز، ۱۳۴۶: ۹۳) برخی از دولت‌های اروپایی در این شهر، دفتر نمایندگی سیاسی تأسیس کردند و تجار بزرگ به فعالیت‌های بازرگانی مشغول شدند. (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۸۶)

دولت‌های فرانسه، آلمان و روسیه به ترتیب در ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۸۹ م، ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۷ م و ۱۳۱۹ ق/ ۱۹۰۱ م، کنسولگری‌ها خود را در بوشهر تأسیس کردند. (وادلا، ۱۳۶۴: ۵۰) دولت هلند، برای سال‌های متمادی در بوشهر کنسولگری داشت و دولت‌های نروژ، ایتالیا و عثمانی هم در بوشهر کنسولگری داشتند. (سیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۳: ۶۲۷)

بوشهر در کرانه شمالی خلیج فارس، اگر چه از قرن‌ها پیش، منطقه‌ای آباد و مسکون بوده، اما درباره این بندر، خاندان‌های حکومتی آن و شرایط سیاسی و اقتصادی آن، اطلاعات زیادی در دست نیست.

تاریخ جدید بوشهر، با پادشاهی نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ هق/ ۱۷۳۶-۱۷۴۷ م) شروع می‌شود. (کازرونی، ۱۳۶۸: ۴۷) نادر و سیاست دریایی او در مبارزه با عثمانی‌ها و گسترش قلمروی دریایی او در خلیج فارس، سبب شد تا شهر بندری بوشهر مورد توجه خاصی قرار گیرد. نادرشاه با گماردن یک تاجر انگلیسی به نام «جان‌التن»، بوشهر را که نام آن به «بندر نادریه» تغییر داده شده بود، به صورت یک مرکز کشتی‌سازی و پادگان نظامی در آورد. (رایین، ۱۳۵۶: ۶۳۲).

با مرگ نادر، میراث دریایی او میان حکام بوشهر و بندر عباس تقسیم شد. شیخ‌ناصرخان آل‌مذکور که ناخداباشی کشتی‌های نادر بود، پس از مرگ او، کشتی‌ها و ناوگان مستقر در بوشهر را متصرف شده، حکومت قدرتمندی پدید آورد که صد سال (۱۸۵۰-۱۷۵۰ م/ ۱۲۶۶-۱۱۶۳ هق) ادامه یافت. (استفان‌رای، ۱۳۷۸: ۴۹)

در دوران حاکمیت خاندان آل‌مذکور، بوشهر رو به عمران و آبادی گذاشت و روابط تجاری و بازرگانی گسترده‌ای با دنیا برقرار کرد. شاید به همین دلیل است که مولف کتاب «مرآة البلدان»، بانی شهر جدید بوشهر را شیخ نصر مذکور معرفی می‌نماید. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۴۷۹)

در دوران کریم‌خان زند (۱۱۶۴-۱۱۹۳ هق/ ۱۷۵۱-۱۷۷۹ م)، با برقراری آرامش و امنیت در ایران و پایان یافتن هرج و مرج ناشی از مرگ نادر، بوشهر وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد. جابه‌جایی مرکز قدرت ایران از خراسان به شیراز، سبب شد تا بوشهر که به شیراز نزدیک بود، بندر اصلی بازرگانی ایران شود. در سال ۱۱۷۷ هق/ ۱۷۶۳ م، شرکت هند شرقی بریتانیا، قرارداد معروفی با کریم‌خان زند و شیخ سعدون، نماینده حاکم بوشهر، منعقد کرد که در واقع سنگ بنای حضور نظامی انگلیس در جنوب ایران و خلیج فارس

و حضور ناوگان انگلیس در منطقه خلیج فارس، زمینه‌ساز رشد تجارت در بوشهر شد، تا آنجا که در ۱۲۳۲ ق/ ۱۸۱۷ م، کل واردات از طریق بندر بوشهر، بالغ بر ۳۰۰ هزار لیره و در ۱۲۳۸ ق/ ۱۸۲۳ م، ۶۷۰ هزار لیره، یعنی دو برابر شد. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۵) به دنبال این تحولات اقتصادی، بازار شیراز و اصفهان با ورود کالا از راه بوشهر رو به رشد نهاد. (لاریمر، ۱۳۷۹: ۱۷۰)

رشد جمعیت بوشهر که از گسترش بازرگانی و تجاری آن سرچشمه می‌گرفت، شتابان بود. چارلز عیسوی در کتاب خود در گزارشی درباره ایران، به سال ۱۸۶۷ م/ ۱۲۸۳ هـ ق، به

از هنگام به قدرت رسیدن قاجار، به مدت یک قرن و نیم، بوشهر مهم‌ترین بندر تجاری ایران بود. از ۱۲۱۵ ق/ ۱۸۰۰ م، بوشهر رفته رفته از بندری واقع در مسیر کشتی‌ها، به بندری ترانزیتی تبدیل شد. (استفان رای، ۱۳۷۸: ۱۶۹)

سالانه نزدیک به صد کشتی انگلیسی و عربی، از هند و مسقط، برای امور بازرگانی به این بندر می‌آمدند و روی هم رفته، در فاصله سال‌های ۱۲۳۲ ق/ ۱۸۱۷ م، سه چهارم کالاهای وارد شده به بوشهر از هندوستان و چین و یک‌چهارم دیگر، از اروپا بود. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) برقراری نظم و امنیت، به راه افتادن راه‌های کشتی‌رانی در خلیج فارس

ارزش تجارت خلیج فارس در سال ۱۸۷۵/۱۸۷۴ م، به هزار روپیه

	تجارت کل		تجارت با هند	
	واردات	صادرات	واردات	صادرات
مال التجارة بوشهر	۳۴۷۳	۲۶۴۶	۱۹۷۲	۵۳۵
خزان بوشهر	۱۲۵	۴۴۶	۵۰	۱۴۸
کل بوشهر	۳۵۹۸	۳۰۹۲	۲۰۲۲	۶۸۳
مال التجارة بندرعباس	۱۶۹۱	۱۴۵۹	۱۰۶۰	۱۱۷۴
خزانه بندرعباس	۴۷	۳۰۶	۲۴	۲۹۴
کل بندرعباس	۱۷۳۸	۱۷۶۶	۱۰۸۴	۱۴۶۸
کل مال التجارة خلیج فارس	۱۳۰۴۷	۱۰۰۰۰	۶۲۱۰	۵۰۳۹
کل خزانه خلیج فارس	۷۸۹	۷۵۲	۱۷۴	۴۴۲
کل خلیج فارس	۱۳۸۳۶	۱۰۷۵۳	۶۳۸۴	۵۴۸۱

(اقتباس از کتاب: «تاریخ اقتصادی ایران» اثر چارلز عیسوی)

شده بود. شاردن [در دوره صفویه] تعداد جمعیت ایران را چهل میلیون نفر تخمین زده و این رقم در آثار دیگر جغرافیایی، از نه میلیون نفر تا پانزده میلیون نفر آمده است. حتی «فریزر» هم که در توصیفاتش صادق است، جمعیت ایران را هشت تا ده میلیون نفر نوشته است. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۴۰)

تامسون در ادامه گزارش خود می‌نویسد که در زمان شاهان صفوی و اوایل دوره قاجار، ایران احتمالاً پرجمعیت‌تر از سال‌های ۱۸۶۷ تا ۱۸۶۸ میلادی بوده است، اما در سال‌های

بررسی آمار و ارقام جمعیتی ایران می‌پردازد و در این گزارش، به نقل از تامسون معتقد است که جمعیت و منابع عمومی ایران، معمولاً بیش از اندازه بر آورد شده است. او به انتقاد از سیاحانی می‌پردازد که سرتاسر ایران را گشته‌اند و اطلاعات جمعیتی متناقضی ارائه کرده‌اند. تامسون معتقد بود که در دوره قاجار، کل جمعیت ایران دو میلیون نفر ارزیابی شده که از نظر او غلط و اشتباه است. سپس می‌نویسد:

«ملکم می‌گوید در نسخه‌ای که از روی نامه‌های دولتی نوشته شده، میزان جمعیت ایران بیست میلیون نفر برآورد

گردید. در دوران حاکمیت خاندان آل مذکور بر بوشهر (۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ م/ ۱۱۶۳ تا ۱۲۶۶ ه. ق.)، عنصر عرب بر ایرانی غلبه یافت تا آنجا که سرجان ملکم، به اشتباه ساکنان بوشهر را از نقطه نظر نژادی عرب معرفی کرد. (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۳) لرد کرزن هم در کتابش به تبعیت از ملکم، همین اشتباه را تکرار نمود. کرزن نوشت «تا بیست سال قبل [۱۸۳۰ م] اکثریت [ساکنان بوشهر] با عنصر عرب بود، گو این که تا حدود زیادی هم از جهت لباس پوشیدن و هم از نقطه نظر مذهب، ایرانی شده بودند.» (کرزن، ۱۳۸۰: ۳۳)

در اینجا باید تصریح نمود که ساکنان بوشهر و اطراف آن، از نژاد ایرانی بوده و از اواخر دوره افشاریه به بعد، تعداد زیادی از اقوام عرب از کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به بوشهر مهاجرت کرده و در شهرهای بندری ایران اسکان یافتند که برخی از آنان، مانند خاندان آل مذکور و نصوری‌ها، موفق به تشکیل حکومت شدند. در دوره قاجار، اقلیت‌های مذهبی متعددی در بوشهر زندگی می‌کردند که مهم‌ترین آنها، اقلیت ارمنه بود. ارمنه که احتمالاً بعد از غارت تفلیس در سال ۱۷۹۷ م/ ۱۲۱۱ ه. ق، دسته جمعی به نقاط مختلف ایران از جمله بوشهر مهاجرت کردند، بعد از مدتی از موقعیت متنفذی برخوردار شده و برخی از آنان، از تجار عمده بوشهر به شمار می‌رفتند. اگر چه «استفان رای» تخمین دقیق تعداد ارمنه ساکن بوشهر را دشوار می‌داند، اما از «بوکینگهام» نقل می‌کند که در سال ۱۸۲۸ م/ ۱۲۴۳ ه. ق، تعداد تجار ارمنی و ایرانی برابر بود. همچنین می‌نویسد که در سال ۱۸۲۷ م/ ۱۲۴۲ ه. ق، دست کم پنجاه نفر تاجر سرشناس در بوشهر وجود داشت و این در حالی بود که در سال ۱۸۳۰ م/ ۱۲۴۵ ه. ق، ده نفر از تجار طراز اول، از این گروه به شمار می‌رفت (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۵).

کرزن، تعداد ارمنه‌ای که در بوشهر به شغل تجارت مشغول بودند را یکصد نفر نوشته، در حالی که لوریمر تعداد را ۳۵ نفر می‌داند. ارمنه علی‌رغم تعداد اندکی که داشتند، از ثروت و نفوذ زیادی در بوشهر برخوردار بودند. تجار ارمنی، به علت سخت‌کوشی و جدیت در دسترسی به اطلاعات بازرگانی از اوضاع بازار جهانی، از سایر تجار در بوشهر ممتاز بوده و

مورد نظر او، به دلیل شیوع وبا و طاعون و بی‌لیاقتی شاهان قاجار، جمعیت ایران کاهش یافت. تامسون در ادامه گزارش خود، جمعیت ایران را در سال ۶۸-۱۸۶۷ میلادی، پنج میلیون نفر برآورد می‌کند و تعداد نفوس شهرهای مختلف ایران را به ترتیب می‌نویسد. در این گزارش، آمار جمعیتی بوشهر ۱۸۰۰۰ نفر برآورد شده که در مقایسه با شهرهایی چون دزفول، بروجرد، اردبیل، زنجان، کاشان و حتی قم هم، بیشتر بوده است. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۰)

شایان ذکر است که تعیین تعداد جمعیت بوشهر در برهه‌های زمانی مختلف، به ثبات و امنیت اوضاع سیاسی و اقتصادی این شهر بستگی داشته است. برای مثال، به مدت بیش از یک قرن دوره‌ای که کساد و رونق تجارت را در بر می‌گیرد جمعیت این شهر بین ده تا بیست هزار نفر در نوسان بوده است.

در سال ۱۷۷۹ م/ ۱۱۹۳ ه. ق، بالیوز (روزنامه نگار) انگلیسی جمعیت بوشهر را ده هزار نفر برآورد کرد که این تعداد مورد تأیید «لوریمر» هم قرار گرفت. در سال ۱۸۱۷ م/ ۱۲۳۲ ه. ق، هیود، کل جمعیت بوشهر را دوازده هزار نفر تخمین زده و در سال ۱۸۲۸ م/ ۱۲۴۳ ه. ق، ویلسون - بالیوز (روزنامه نگار) دولت انگلیس - جمعیت این بندر را بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر برآورد کرد.

تامسون (Thomsin) در سال ۱۸۶۷ م/ ۱۲۸۳ ه. ق، این رقم را ۱۸۰۰۰ نفر و «کرزن» در سال ۱۸۸۸ م/ ۱۳۰۵ ه. ق، و لوریمر در سال ۱۹۰۵ م/ ۱۳۲۲ ه. ق ۱۵۰۰۰ نفر برآورد کرده‌اند. (عیسوی، ۱۳۸۸، ۳۳).

در سال ۱۹۰۱ م/ ۱۳۱۸ ه. ق، در تخمینی که از سوی کنسول بریتانیا با همکاری مقامات ایرانی انجام شد، جمعیت بوشهر را اندکی کمتر از ۲۵۰۰۰ نفر برآورد کردند. (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶: ۱۵۱).

در جریان قرن نوزدهم و بیستم میلادی، ترکیب جمعیتی بوشهر ناهمگون و نامتجانس بود و دستخوش دگرگونی‌هایی

مهم‌ترین شغل مردم بوشهر به شمار می‌رفت، اما اکثریت مردم به شغل کشاورزی و ماهیگیری اشتغال داشتند. تعدادی از مردم هم به پرورش درخت خرما و نخلداری مشغول بودند. محله‌های ظلم‌آباد، جفره، جلالی و شغاب از دهکده‌های صیادی بودند. در سرتاسر قرن نوزدهم میلادی، صنعت کشتی‌سازی در محله جبری از توابع بوشهر وجود داشت. لایمر در کتابش می‌نویسد که در زمان خدمت او در بوشهر، هنوز هم روستای جبری به عنوان مرکز کشتی‌سازی محسوب می‌شد. (لایمر، ۱۳۷۹: ۳۳۵)

نوساناتی که در بازار بوشهر وجود داشت، دلیل قانع‌کننده‌ای برای پذیرش این نقطه نظر است که نظام اقتصادی وابسته به بازار، در بوشهر وجود داشت. در سرتاسر قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی، چندین پول رایج برای مبادله کالا در بوشهر مورد استفاده قرار می‌گرفت. در اواخر قرن ۱۸ میلادی، تجار ساکن در پس کرانه‌ها، در فصل پاییز و زمستان، به بوشهر می‌آمدند و پس از آن که تابستان گرم خلیج فارس آغاز می‌شد، به داخل فلات ایران و شهرهایشان مراجعت می‌کردند.

در تمام فصول سال، کالا وارد بوشهر می‌گردید، چه، در آن موقع این بندر به صورت بندر ترانزیتی در آمده بود و اجناس از یک وسیله نقلیه به وسیله دیگری انتقال می‌یافت. شرکت

تجارت بنادر خلیج فارس در سال‌های ۱۹۱۳، ۱۸۹۵ م، (به هزار پوند استرلینگ)

۱۸۹۵ م	۱۹۰۰ م	۱۹۰۵ م	۱۹۰۹/۱۰ م	۱۹۱۲/۱۴ م	
۱۰۱۷	۱۳۲۳	۷۶۲	۶۷۶	۸۲۶	بوشهر (واردات)
۵۲۹	۷۱۰	۴۷۰	۳۴۹	۶۰۲	صادرات
۴۷۷	۳۳۹	۳۸۴	۳۴۰	۴۵۹	بندرعباس (واردات)
۳۲۵	۱۰۳	۱۵۲	۲۰۲	۲۶۷	صادرات
۴۶۳	۵۰۱	۱۰۳	۱۳۲	۱۸۰	بندر لنگه (واردات)
۵۱۱	۴۷۰	۶۷	۱۹۴	۱۲۶	صادرات
۱۳۸	۲۰۲	۲۲۴	۹۱۷	۸۱۲	محمره (واردات)
۴۳	۱۰۳	۹۳	۲۱۸	۳۱۳	صادرات

(اقتباس از کتاب: «تاریخ اقتصادی ایران» اثر چارلز عیسوی)

عمده‌تر به شمار می‌آمدند. در ضمن، به دلیل این که خود را تحت حمایت دولت انگلیس قرار داده بودند، بر تجارت هند هم کنترل داشتند. (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۶)

از دیگر اقلیت‌های ساکن بوشهر در دوره قاجار، یهودی‌ها بودند که با وجودی که تعداد آنها از دیگر اقلیت‌های بوشهر، خاصه ارامنه، بیشتر بود، اما دارای نفوذ و اعتبار ارامنه نبودند. کلیمی‌ها در بوشهر به کار تجارت و بازرگانی مشغول بودند، اما تجار محلی کم‌اهمیتی بودند که با هند مراودات تجاری نداشتند. «استفان رای» معتقد است که کلیمی‌های بوشهر در مقایسه با سایر یهودیان ایران، افراد نسبتاً موفق و مرفهی بودند. (استفان رای، ۱۳۷۸: ۳۷) آنها در دو محله بوشهر زندگی می‌کردند و دارای عبادتگاه مخصوص خود بودند. یکی از کنیسه‌های آنها در محله «کوتی» بوشهر قرار داشت. تعداد کلیمی‌های بوشهر در اواخر دهه ۱۸۶۰ م / ۱۲۷۶ ه. ق، سیصد و پنجاه نفر بودند که این رقم در سال ۱۹۰۰ م / ۱۳۱۷ ه. ق، به ششصد نفر افزایش یافت.

دیگر اقلیت‌های ساکن بوشهر، پارسیان زرتشتی، هندوها و اعراب مسیحی بودند که هیچکدام از آنها در حیات اقتصادی و سیاسی بوشهر، دارای نفوذ و اهمیت نبودند.

اگر چه به دلیل همجواری با دریا، تجارت و بازرگانی،



حاج خلیل، تاجر عمده بوشهری، در پرداخت کمک‌های مالی به دولت‌های وقت، در اسناد و منابع تاریخی عصر قاجار همواره انعکاس یافته است.

حاج خلیل، تاجر عمده‌ای بود که در دهه ۱۷۹۰ م/ ۱۲۰۴ هـ ق، از طریق تجارت با هند، بسیار ثروتمند شد. «استفان رای» می‌نویسد که او نه تنها به عنوان واسطه‌ای برای فروش کالاهای تمام شده (مثل پارچه) عمل می‌کرد، بلکه در کارخانه‌های پارچه‌بافی هند و خطوط کشتیرانی سرتاسر خلیج فارس نیز سرمایه‌گذاری کرده بود. در سال ۱۸۰۱ م، حاج خلیل به عنوان سفیر ایران در هند منصوب شد. (استفان رای، ۱۳۷۸: ۱۸۸)

پی‌نوشت‌ها

۱- محمد مهدی ملک‌التجار فرزند محمد حسین در سال ۱۲۷۷ هـ ق در شهر کلکته (هندوستان) متولد گردید. تا

هند شرقی انگلیس و امام مسقط (در سال ۱۷۸۶ م/ ۱۲۰۰ هـ ق، مسقط دارای نمایندگی تجاری در بوشهر بود) کالاهایشان را تنها در بازار بوشهر به فروش می‌رسانیدند. (استفان رای، ۱۳۷۸: ۱۶۱)

طبقه تجار و بازاری، همواره در جامعه ایران و از جمله بوشهر، نقشی عمده و اساسی ایفا کرده‌اند و در بسیاری از جنبش‌های سیاسی اجتماعی، همواره پیشرو و پیشگام بوده‌اند.

در دوره قاجار و در آستانه انقلاب مشروطیت، تجار ساکن بوشهر که بخش عظیمی از سرمایه‌های ایران را در دست داشتند، نزد دولتمردان وقت، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند.

نقش ملک‌التجار بوشهری ۱، معین‌التجار بوشهری ۲ و

ده سالگی در آن کشور زندگی کرد. سپس همراه عمویش محمدجعفر به بوشهر آمد. در سال ۱۲۹۵ هـ ق محمدعلی ملک‌التجار درگذشت و چون اولادی نداشت عنوان و ثروت سرشارش به برادرزاده‌اش محمدمهدی رسید. محمدمهدی ملک‌التجار از ثروتمندترین بازرگانان دوران ناصر است. درباره اسراف و تبذیر او بسیار گفته و نوشته‌اند. عمارت‌ها و ابنیه‌ای از او به جای مانده است که معروف‌ترین آنها عمارت ملک در منطقه بهمنی بوشهر است. او برای رونق تجارت در بوشهر شرکتی تشکیل داد که با نقاط داخل و کشورهای خارجی از جمله انگلستان داد و ستد می‌کرد. ملک‌التجار مدت یکی دو سالی هم حکومت بوشهر و بندر و جزایر خلیج فارس را در دست داشت و برای اعمال حاکمیت دولت ایران در سواحل شمالی خلیج فارس تلاش می‌کرد. محمدمهدی ملک‌التجار در سال ۱۳۳۸ هـ ق برابر با ۱۲۹۹ هـ ش درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد.

۲- حاج محمد بوشهری فرزند حاج محمدرحیم دهدشتی ملقب به معین‌التجار در سال ۱۲۳۸ هـ ش در بوشهر تولد یافت. از چگونگی تحصیل و دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعات چندانی در دست نیست. وی از تجار و بازرگانان معروف و قدرتمند دوره قاجار بود که در عهد ناصرالدین شاه در تحولات اقتصادی و سیاسی داخلی نقش به‌سزایی داشت. با آغاز مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی وی نماینده مردم تهران در مجلس اول بود و در مجلس سوم هم به نمایندگی از مردم بوشهر انتخاب گردید. معین‌التجار در تحولات بعد از مشروطیت و انتقال قدرت از قاجار به پهلوی همچنان فعال بود. معین‌التجار بوشهری در دوره رضاشاه در سال ۱۳۱۲ و در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

منابع و مأخذ

- استفان رای، گرمون. ۱۳۷۸. چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران. ترجمه حسن زنگنه. نشر همسایه قم.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. ۱۳۶۷. مرآة البلدان. به کوشش عبدالحسین نوایی و هاشم محدث. ج ۱. تهران. دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- امین، عبدالامیر. ۱۳۶۷. منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس.

ترجمه علی میرسعید قاضی. زرین. تهران.
- بدیعی، ربیع. ۱۳۸۸. جغرافیای مفصل ایران. تهران. [بی‌نا]
- پری، جان. ۱۳۶۸. کریم‌خان زند. ترجمه علی محمد ساکی. نشر نو.
- جغرافیای مفصل ایران. ۱۳۶۸. بدیعی. ربیع. تهران. اقبال.
- حسینی فسایی، میرزاحسن. ۱۳۷۸. فارسنامه ناصری. تصحیح رستگار فسایی. ج ۲. امیر کبیر.
- رایین، اسماعیل. ۱۳۵۶. دریانوردی ایرانیان. ج ۲. انتشارات جاویدان.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی. ۱۳۶۳. بندرعباس و خلیج فارس. تصحیح و مقدمه و فهرس از احمد اقتداری؛ بکوشش علی ستایش، تهران، دنیای کتاب
- عیسوی، چارلز. ۱۳۸۸. تاریخ اقتصادی ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران. گستره.
- فرامرز، احمد. ۱۳۴۶. کریم‌خان زند و خلیج فارس. ناشر بی‌نا.
- فریدی، فاطمه [و دیگران]. ۱۳۸۸. سرگذشت تقسیمات کشوری ایران. تهران. بنیاد ایرانشناسی. ج ۲.
- فلاندن، اوژن. ۱۳۵۶. سفرنامه. ترجمه حسین نور صادقی. تهران. انتشارات اشراقی.
- کازرونی، ابراهیم. ۱۳۶۸. تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس. به کوشش متوجه ستوده. ناشر موسسه فرهنگی جهانگیری. تهران.
- کوزن، لرد. ۱۳۸۰. ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی. ج ۲. تهران. انتشارات علمی فرهنگی.
- گلستانه، ابوالحسن. ۱۳۵۶. مجمل‌التواریخ. به کوشش مدرس رضوی. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- لاریمر، ج.ج. ۱۳۷۹. راهنمای خلیج فارس. ترجمه سیدمحمدحسن نبوی. شیراز. انتشارات نوید.
- ملک، سرجان. تاریخ ایران. ترجمه میرزاحیرت، تهران. ناشر سعدی. بی‌تا.
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. ۱۳۷۶. اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم. ترجمه معصومه جمشیدی و دیگران.
- وادلا، ر. ۱۳۶۴. خلیج فارس در عصر استعمار. ترجمه شفیع جوادی. تهران. کتاب سحاب.